

واکوی تسهیل‌کننده‌های مشارکت روستاییان در توسعه سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان‌های چورزق و درام شهرستان طارم)

ناصر شفیعی ثابت* - استادیار گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران
مسعود انبارلو - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
علی یوسفی طالقانی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۸

چکیده

بر اساس دیدگاه صاحب نظران توسعه بی‌توجهی به توانمندسازی و مشارکت روستاییان چالش‌های فراوانی در فراگرد توسعه روستایی ایجاد می‌کند. با این وجود، به دلایل مختلفی در بسیاری از کشورها، جایگاه مشارکت روستاییان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مطالعه حاضر بر آن است که جایگاه تسهیل‌کننده‌های توانمندسازی و مشارکت روستاییان را در فرآیند توسعه مشخص سازد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی از طریق ۲۹۱ خانوار نمونه تصادفی در ۱۸ روستای ناحیه طارم انجام شد. برای سنجش سطح توسعه روستاها، تعداد ۱۱۱ شاخص در قالب ۴ معیار محیطی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی به مثابه مؤلفه اثرپذیر سنجیده شد. در ارتباط با مؤلفه اثرگذار تسهیل‌کننده‌های مشارکت روستاییان نیز تعداد ۷۶ شاخص در چهارچوب ۶ معیار آموزش و اطلاع‌رسانی، دانش و اطلاعات، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری بر اساس ویژگی ناحیه مورد مطالعه سنجیده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر ۶ شاخص تسهیل‌کننده‌های مشارکت روستاییان در بهبود شاخص‌های توسعه روستایی مؤثر است. اما، هنوز به نحو شایسته‌ای باعث ارتقاء شاخص‌های سطح توسعه آن‌ها نشده است. بنابراین، توجه به ارتقاء سطح توانمندی روستاییان برای مشارکت گسترده‌تر آن‌ها از طریق ارتقاء تسهیل‌کننده‌های توانمندسازی روستاییان همچون آموزش و آگاهی بخشی، دانش و مهارت و دخالت دادن آنان در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها و شراکت در فعالیت اجتماعی و اقتصادی به مثابه بهبود دهنده‌های ارتقاء سطح توسعه روستایی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: تسهیل‌کننده‌های مشارکت، توانمندسازی، توسعه روستایی، شهرستان طارم

نحوه استناد به مقاله:

شفیعی ثابت، ناصر، انبارلو، مسعود، یوسفی طالقانی، علی. (۱۳۹۷). واکوی تسهیل‌کننده‌های مشارکت روستاییان در توسعه سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان‌های چورزق و درام شهرستان طارم). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۳ (۴)، ۷۴۴-۷۲۹.
http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_545186.html

مقدمه

به دنبال بروز چالش‌های زیست‌محیطی و نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی در اغلب کشورهای جهان که متأثر از غلبه سیاست‌ها و رویکرد برنامه‌ریزی توسعه از "بالا به پایین" و "متخصص محور" تا سال ۱۹۷۰ میلادی بوده؛ زمینه برای توجه و تغییر رویکرد به توسعه از پایین به بالا و اجتماع محور از دهه ۱۹۸۰ میلادی براساس "نظریه ارتباطی - مشارکتی" هابرماس در راستای توسعه پایدار فراهم شد (Waas et al, 2014: 5513). بدین ترتیب، بر مشارکت روستاییان در فراگرد توسعه پایدار روستایی به مثابه یک فرآیند از سوی برنامه‌ریزان روستایی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای تأکید شده است. به‌گونه‌ای که تبیین دقیق ابعاد و شاخص‌های توسعه پایدار، همچون: ابعاد محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - اقتصادی و کالبدی - زیربنایی در راستای نظام برنامه‌ریزی فضایی کمک فراوانی به برنامه‌ریزان توسعه به منظور ارتقاء ظرفیت‌ها و توانمندی‌های روستاییان می‌کند در دهه‌های اخیر یکی از مهمترین راهبردهای ارابه شده برای پایداری ابعاد اجتماعی - اقتصادی و محیطی - اکولوژیک توسعه در فضاهای روستایی مشارکت ساکنان روستایی در جنبه‌های گوناگون آن است (Amundsen & Martinsen, 2015: 306).

در متون توسعه، مشارکت ذینفعان محلی در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه، انگیزه آن‌ها را برای حرکت و فعالیت بیشتر در محیط زندگی‌شان افزایش می‌دهد. مشارکت به مثابه "نشان گر عمومی درگیری تعداد زیادی از افراد در فعالیت یا کاری است که رفاه آن‌ها، در آمد، امنیت یا اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش می‌دهد". به سخن دیگر، مشارکت مردم یک فرآیند گروهی پویا است که در آن همه اعضای یک گروه در دستیابی به اهداف گروه مشارکت می‌کنند و سود فعالیت در گروه را بین خودشان تقسیم می‌کنند، اطلاعات و تجارب خودشان را از منافع مشترک مبادله می‌کنند و از قوانین و مقررات و دیگر تصمیم‌هایی که توسط گروه اخذ شده است، پیروی می‌کنند (Bagdi & kurothe, 2014: 57-58). براین شالوده، توجه به رهیافت‌های مشارکتی در برنامه‌ریزی‌های توسعه، مردم محلی را برای داشتن نقش مؤثر در سرنوشت‌شان آماده می‌کند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا در فرآیند توسعه مشارکت نمایند (Ericson, 2006: 10). به گونه‌ای که هر کشوری، از دانش و اطلاعات بیشتر و روزآمدتری برای توانمندسازی و مشارکت ساکنان خود بهره‌مند شود، به سطح بالاتری از توسعه نیز دست می‌یابد (Fernandez & Moldogaziev, 2015: 376-377). ضرورت توجه به مقوله مشارکت در روند توسعه به ویژه در مناطق روستایی نزد صاحب نظران از چنان اعتباری برخوردار است که گاهی اوقات توسعه را معادل مشارکت می‌دانند (Taleb, 1995: 4). البته، برای ارتقاء سطح مشارکت روستاییان، میزان و سطح برخورداری از سرمایه اجتماعی به ویژه اعتماد اجتماعی، هنجارها، مشارکت و توسعه شبکه‌ها و نهادهای محلی بسیار حائز اهمیت است (Zhao et al, 2013: Adam & Roncevic, 2013). در این میان، مفهوم مشارکت اجتماعی در طی سال‌های گذشته، در بین دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. دوتوکویل معتقد است که ساکنان روستا گرایشی طبیعی برای جستجوی ارتباط اجتماعی دارند و این مشارکت اجتماعی بسنده، برای دموکراسی حیاتی است. پاتنام این استدلال را گسترش داده و نتیجه می‌گیرد که نه تنها دموکراسی، بلکه همچنین سطوحی از آموزش، امنیت، توسعه اقتصادی و بهداشت به وسیله سطوح مناسبی از سرمایه اجتماعی تحت پوشش قرار می‌گیرد. با این وجود، پاتنام ادعا می‌کند که سطح کنش متقابل که مردم با یکدیگر در حوزه‌های خانگی، آموزش و کار دارند، در دهه‌های اخیر نگران کننده شده است (Van Ingen, 2008: 103). این امر هشداردهنده کاهش توسعه و مشارکت اجتماعی مردم است. از این رو، مشارکت مردمی به عنوان یک ابزار تنویریکی بسیار مهم جهت بررسی نقش متغیرهای اجتماعی و اقتصادی در توسعه پایدار روستایی پدیدار شده است و تأکید اصلی آن روی تقویت ابعاد نرم‌افزاری و انگیزشی توسعه روستایی است (Rukn al-Din eftekhari, et al: 2015: 80). در این چارچوب تحلیل رابطه بین مشارکت روستاییان و توسعه روستایی با در نظر گرفتن مباحثی از قبیل کارایی برنامه‌ریزی، حکمروایی، مشارکت مدنی، توسعه شبکه‌های مبتنی بر همکاری متقابل محلی و نظایر آن، می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی مهیا سازد (Snelgrove & Pikhart & Stanford, 2009: 1994). تجربه بسیاری از کشورهای درحال توسعه از جمله ایران نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی متمرکز آمرانه و بالا به پایین مطلوب نبوده و هرچه سطوح مشارکت مردم محدودتر باشد امکان اجرایی و کارآمدی برنامه‌ها کاهش خواهد یافت (Rezvani, 2011: 230). بدین ترتیب بی‌توجهی به نقش مشارکت روستاییان در روند توسعه و برنامه‌ریزی موجب کندشدن و حتی عدم توفیق در برخی برنامه‌های توسعه می‌شود.

در این راستا، از آنجا که سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه این پژوهش، از دیر باز با محرومیت و پایین بودن سطح توسعه‌یافتگی رو به رو بوده است. اهمیت موضوع مشارکت روستاییان و توجه به موانع و تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان در روستاهای این ناحیه و نیز اهمیت توسعه‌یافتگی و ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان و این که بیشترین افراد آسیب پذیر و فقیر در کشورها، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، ایجاب می‌کند تا شناخت علمی و دقیق‌تری به مسأله مشارکت روستاییان و سطح توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی بدست آوریم؛ زیرا، این نوع شناخت کمک شایانی به کاهش فقر و بالابردن سطح توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی در ناحیه مورد مطالعه می‌کند. پژوهش حاضر با سنجش متغیرهای مختلف تسهیل کننده مشارکت روستاییان تأثیر آن را در توسعه سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه، برای پیشبرد برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی بررسی می‌کند. بر این شالوده، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که نقش تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان در توسعه سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های چورزق و درام شهرستان طارم چگونه است؟ در همین راستا، رابطه تسهیل کننده‌های مؤلفه مشارکت روستاییان را در سطح توسعه‌یافتگی ابعاد محیطی، اجتماعی، اقتصادی، و زیربنایی و کالبدی سکونتگاه‌های روستایی بررسی می‌کند.

در ادبیات توسعه، مفهوم مشارکت در عرصه توسعه روستایی به دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ باز می‌گردد. یعنی زمانی که رشد و گسترش راهبردهای توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی و صنعتی شدن کشورهای توسعه یافته و استفاده آن‌ها در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، موجب شد تا پیامدهای منفی توسعه بیش از آثار مثبت آن شود (Mansori, 2002: 37). در واقع، به دنبال ناموزونی و بی‌تعادلی فضایی ایجاد شده در اغلب مناطق و کشورها و ناکامی‌های توسعه مناطق روستایی در اثر اتخاذ رویکردهای نامناسب در برنامه‌ریزی‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی، کارگزاران توسعه ملی و بین‌المللی متقاعد شدند که راهبردهای توسعه روستایی باید به دلیل پیچیدگی عوامل تعیین کننده فرآیند توسعه، جامع‌تر شوند.

در نتیجه، بسیاری از کشورها و نظریه‌پردازان توسعه، در صدد بر آمدن تا نسبت به رهیافت‌های اتخاذ شده تجدید نظر کرده و موضوع مشارکت و از جمله مشارکت روستاییان و مکانیزم‌های جلب و به‌کارگیری آن‌ها در برنامه‌های توسعه روستایی را مورد توجه قرار دهند و مفهوم جدیدی از توسعه با عنوان "توسعه مشارکتی" وارد ادبیات توسعه شد (Rezvani, 2011:113). براین مبنای در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی بحث‌های نوینی درباره معانی، اهداف و طرق دستیابی به توسعه در گرفت که در نتیجه آن ادبیات جدیدی به عنوان توانمندسازی، مشارکت مردمی برای توسعه پایدار جوامع و مناطق وارد مباحث دانشگاهی شد (Mahmud et al, 2011:612). بدین ترتیب، مشارکت روستاییان در توسعه، به عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی برپایه نگرش سیستمی و انداموار به توسعه روستایی، امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه نمود و توانمندسازی و مشارکت تمام اقشار روستایی، اعم از زن و مرد و جوان و بزرگسال را پیش نیاز دستیابی به اهداف توسعه قلمداد کرد (Khosravipour & Foroushani, 2011:64).

در خصوص مفهوم مشارکت، تعاریف متعددی از سوی محققان و صاحب‌نظران مختلف ارائه شده است. برخی معتقدند: مشارکت مفهومی ذاتی در جوامع بشری است که برای تحکیم آن، نیاز به برنامه‌ریزی از پایین به بالا و ارتباط بین همه مؤلفه‌های موجود در این زمینه است (Wang et al, 2008: 86). برخی دیگر، مشارکت را در نخستین گام به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات محیطی برای تصمیم‌گیری می‌دانند که هسته مفهومی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد (primmer et al, 2006: 841). از مهم‌ترین تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان در زمینه اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی توانمندسازی و ظرفیت‌سازی آن‌ها برای مشارکت در فرآیند توسعه است (Rukn al-Din eftekhari, 2010: 214). در مقابل، فقدان آن منجر به بروز محدودیت‌هایی در فرآیند توسعه در سطوح مختلف می‌شود (Le, Ho, & Phi Khanh, 2011: 14). بنابراین، مشارکت بخشی از دارایی‌های متعلق به یک جامعه محلی است که به آن، به عنوان شبکه‌هایی از اعتماد، انسجام و روابط متقابل بین اعضای جامعه نگریسته می‌شود و به اعضا برای تبدیل دارایی‌های اجتماعی خود به دارایی‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کمک می‌کند (Gülümser et al, 2012:6 ; Tzanakis, 2013:6).

بدین ترتیب، توانمندسازی به معنای ایجاد قدرت قانونی برای مشارکت است. به سخن دیگر، سرمایه‌گذاری به منظور تقویت قدرت قانونی، برای تواناسازی و تفویض اختیار به مردم است. دلالت مستقیم توانمندسازی مقابله با عوامل بی‌قدرتی است. بی‌قدرتی نه

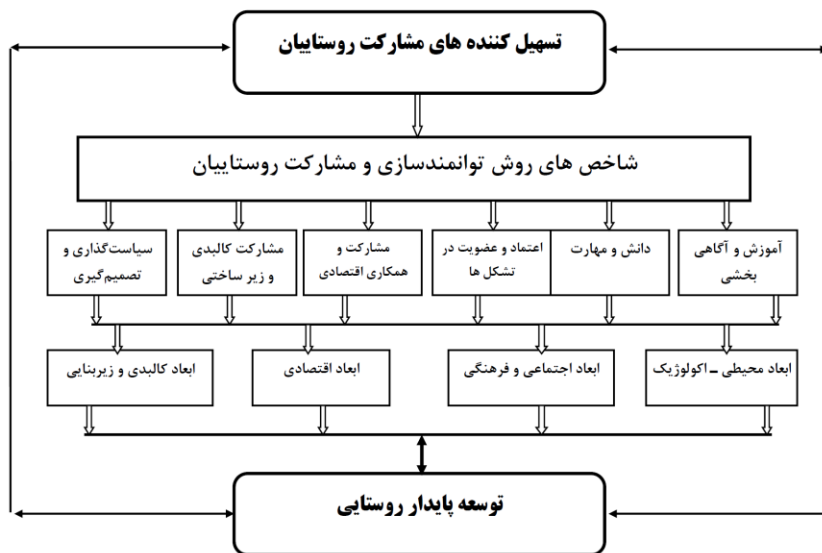
تنها به ایجاد فقر منجر می‌شود، بلکه محصول اصلی و مستقیم آن است. جلوه‌های اصلی بی‌قدرتی عبارتند از: نداشتن قدرت اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری و نداشتن قدرت انتخاب است (Chambers, 1996 Quoted in Salehi, 2012: 50). در واقع توانمندسازی به عنوان ظرفیتی برای خوداتکایی و اعتماد به نفس در مقابل وابستگی است. این فرایندی است که از طریق آن اشخاص، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های به حاشیه رانده شده، می‌توانند سازمان خود را تقویت و خودشان را از تسلط ایجاد شده توسط ساختارها یا روابط، آزاد کنند (Sharma & Kirkman, 2015:199; Shafiei sabet & Heratifard, 2015: 97). برای توانمندسازی باید به عواملی مانند دانش و یا آموزش‌های مهارتی سازمان‌ها، روش‌های مناسب، عضویت در یک سازمان، اعتبارات خرد، اعتماد به نفس افراد، تحصیلات، دسترسی به منابع و حمایت سیاسی توجه نمود (Rossberger & Krause, 2015:25). تجربیات به دست آمده و دستاوردهای علمی مذکور نشان می‌دهد که برای برنامه‌ریزی توسعه روستایی موفقیت آمیز، تحرک بخشیدن به منابع و دستیابی به مشارکت اجتماعی ضرورت است. در زمینه تبیین جایگاه تسهیل‌کننده‌های مشارکت روستاییان در توسعه روستایی مطالعاتی به طور مستقیم صورت نگرفته است. اما، در چند دهه اخیر، در زمینه جایگاه مشارکت روستاییان در توسعه مطالعات متعددی انجام گرفته و الگوهای نظری مختلفی نیز متشکل از ابعاد و مؤلفه‌های مشارکت در این خصوص ارائه شده است.

مهمترین تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده به شرح زیر است: در پژوهشی با عنوان "مشارکت مردم در برنامه‌های آبخیزداری روستایی در هند" مشارکت مردم در برنامه‌های آبخیزداری یک استراتژی مهم دولت هند برای موفق ساختن برنامه‌های آب پخش است. این پژوهش به صورت کمی و میدانی بر روی ۳۸۴ خانوار نمونه تصادفی انجام شد. در این پژوهش شاخص‌های روش توانمندسازی همچون آموزش و آگاهی بخشی، دانش و مهارت، تشکل‌سازی و غیره، روستاییان برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی و برنامه‌ریزی توسعه مورد توجه قرار گرفت. یافته‌های این مطالعه نشان داد که میزان مشارکت مردم در برنامه‌ریزی ۶۳/۷ درصد، در اجرای ۵۷/۷ درصد و در حفظ و مراقبت ۷۵/۱ درصد بود. این نشان می‌دهد که میزان مشارکت مردم در شش ناحیه درگیر از منطقه مورد مطالعه در طول فازهای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آبخیزداری در حد متوسط بود، در حالی که سطح بالایی از مشارکت در مرحله حفظ و مراقبت به نمایش گذاشته شد (Bagdi & kurothe, 2014: 64-66) در پژوهشی دیگر با عنوان بررسی نحوه توانمندی‌سازی روستاییان، در بخش بنگال غربی هند، که به صورت کمی و میدانی انجام شد؛ مشخص گردید توجه به شاخص‌های آموزش و آگاهی اجتماعی، ارتقاء دانش و مهارت‌های اجتماعی، شکل‌دهی گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی، و سرانجام توسعه سرمایه اجتماعی باعث ارتقاء شاخص‌های توانمندسازی و مشارکت روستاییان در ابعاد مختلف آن می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که به ویژه توانمندی اقتصادی و روان‌شناختی روستاییان برای مشارکت در فعالیت‌های مختلف پایین است. بر اساس نتایج این پژوهش، کمیت و کیفیت تعامل میان افراد و اعتماد روستاییان به یکدیگر از تاثیر در خور توجهی بر توانمندسازی و مشارکت آنان برخوردار است (Mitra & Kundu, 2012: 78-80).

یافته‌های پژوهش شفيعی ثابت و هراتی فرد (۱۳۹۴)، در زمینه مشارکت تورگردان‌ها و ذینفعان محلی گردشگری در پایداری و توسعه سکونتگاه‌های روستایی منطقه تهران و البرز که به روش توصیفی - تحلیلی و کمی و میدانی انجام شد؛ نشان داد که از ۶ شاخص فرآیند مشارکت ذینفعان محلی گردشگری (اجتماعی و فرهنگی، فن‌آوری اطلاعات، آموزش و اطلاع رسانی، اقتصادی، کالبدی و سیاست‌گذاری)، به غیر از شاخص آموزش و اطلاع رسانی و سیاست‌گذاری فرآیند مشارکت، بین سایر شاخص‌ها و ابعاد سطح توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی رابطه مستقیم و خطی وجود دارد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که ظرفیت‌های تورگردان‌ها و عرضه‌کنندگان محلی در توسعه عملکرد گردشگری پاک و ارتقای سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌ها مؤثر بوده است. بنابراین، توجه به ارتقای شاخص‌های ظرفیت‌مندی و توان‌سازی تورگردان‌ها و ذینفعان محلی در قالب تشکل‌های تورگردانی، و سیاست‌گذاری برای مشارکت بیش از پیش آنان در گسترش زیرساخت‌های اقامتی و پذیرایی و زیرساخت‌های رفاهی و پشتیبان گردشگری پیشنهاد شده است (Shafiei Sabet & Heratifard, 2015:89-90). در پژوهشی دیگر که با هدف "بررسی نقش مشارکت مردم در کشاورزی پایدار نواحی روستایی در روستاهای دهستان ایجرود بالا در شهرستان ایجرود استان زنجان" به روش کمی و میدانی انجام شد. نتایج نشان داد که سطح مشارکت با میانگین ۲/۲۷ پایین‌تر از حد مورد انتظار است. در این بین نتایج به دست آمده مشخص می‌سازد که بین آگاهی و دانش، تعهد و مسئولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری عقلایی ارتباط مستقیمی برقرار است (Bouzarjamhari et al, 2012:188-189). در پژوهشی دیگر با هدف "بررسی و سنجش میزان

مشارکت مردم و نقش آن در توسعه روستایی، مطالعه موردی دهستان سلطانعلی شهرستان گنبدکاووس^۱؛ و به روش توصیفی - تحلیلی و میدانی انجام شد. شاخص های توانمندسازی روستاییان از طریق آموزش و آگاهی بخشی و دانش و مهارت و غیره بررسی شد؛ که ارتقاء آن در بهبود جایگاه اجتماعی و اقتصادی روستاییان اثر گذار است. نتایج نشان داد که بین سطح و جایگاه اجتماعی و اقتصادی مردم با میزان مشارکت آنان در راستای توسعه روستایی، در سطح بسیار بالا و قابل قبولی رابطه معناداری وجود داشته، و علاوه بر آن میزان مشارکت مردم، نقش کلیدی در توسعه روستایی نواحی مورد مطالعه ایفا می کند (Najafi kani & MirzaAli, 2012:136-137). چمبرز (۱۳۸۷) در کتاب توسعه روستایی: اولویت بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب پذیر). طرفدار مشارکت مردم در طرح‌ها و برنامه‌های عمران و آبادانی است. تاکید می کند، که این مشارکت باید داوطلبانه باشد. همچنین وی چهار عامل مهم زیر را در گرایش مردم به مشارکت موثر می داند: ۱. فعالیت‌های داخل روستا باید به مردم آن سپرده شود، ۲. انتقال تکنولوژی‌ها باید از طریق مربیان و مروجان باسابقه در میان روستاییان انجام گیرد، ۳. کارتحلیل مسایل روستایی در پروژه‌ها به روستاییان واگذار شود، ۴. رفتار و نگرش بالایی‌ها (برنامه ریزان و مجریان) درباره مردمان روستا نیز عامل گرایش به مشارکت محسوب می شود (Chambers, 2008). در نهایت بر اساس مبانی نظری و ادبیات کاوی موضوع، مدل مفهومی پژوهش حاضر ارائه می شود.

بر مبنای مبانی نظری که به طور خلاصه ارائه شد. رویکرد نظری پژوهش حاضر بر اساس مدل مفهومی پژوهش ارائه می شود (شکل ۱). بر اساس مدل حاضر، فرض اصلی بر این است که مؤلفه جایگاه تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان با همه ابعاد و شاخص‌های آن بر مؤلفه توسعه سکونتگاه‌های روستایی اثر گذار است و جریان تاثیر و تاثر میان آن‌ها وجود دارد. به سخن دیگر، شاخص‌های تسهیل کننده مشارکت روستاییان، شاخص‌های روش توانمندسازی هستند که بر اساس واکاوی ادبیات و پیشینه موضوع شامل ارتقاء آموزش و آگاهی بخشی، دانش و مهارت اعتماد و عضویت در تشکل‌ها، مشارکت و همکاری اقتصادی، مشارکت کالبدی و زیر ساختی و سیاست گذاری و تصمیم‌گیری و آموزش و آگاهی بخشی، دانش و مهارت اعتماد و اطمینان، عضویت در گروه‌ها و تشکل‌ها که بستر و زمینه لازم برای مشارکت اقتصادی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، و مشارکت و سرمایه گذاری در زمینه خدمات و زیربنای در راستای توسعه پایدار روستایی فراهم می‌سازد.



شکل ۱. چارچوب مفهومی جایگاه تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان در توسعه پایدار روستایی

روش پژوهش

برای تبیین دقیق سؤال و فرضیه پژوهش، تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و به صورت بررسی کمی و میدانی به مطالعه جایگاه تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان در توسعه سکونتگاه‌های روستایی در دهستان چورزق و درام شهرستان طارم پرداخته است. جامعه آماری در این تحقیق ۴۰ سکونتگاه روستایی دارای سکنه در ناحیه مورد مطالعه است. از کل

جامعه آماری با توجه به ویژگی اجتماعی و اقتصادی خاص روستاهای ناحیه مورد مطالعه حدود ۵۰ درصد معادل ۱۸ سکونتگاه به صورت تصادفی و با توجه به شاخص‌های موقعیتی کوهپایه‌ای، دشتی و کوهستانی انتخاب شدند. برای تعمیم اطلاعات به دست آمده به کل جامعه آماری، با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران (Saraei, 2011:136-137). از کل ۲۹۵۷ خانوار، حجم نمونه با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، و پیش برآورد واریانس ۲۵/۰ درصد برابر با ۲۹۱ خانوار تصادفی است. با توجه به این که ناحیه مورد مطالعه از نظر ویژگی جغرافیایی ناهمگن است، انتخاب خانوارهای روستایی برای پرسشگری بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است (Kothari, 2009: 34). انتخاب و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش با توجه به ادبیات موضوع صورت گرفت. به طوری که مؤلفه اثرگذار (تسهیل‌کننده‌های مشارکت روستاییان) در توسعه سکونتگاه‌های روستایی با تعداد ۶ مؤلفه و ۷۶ شاخص سنجیده شد (جدول ۱).

جدول ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش تسهیل‌کننده‌های مشارکت روستاییان

مؤلفه	شاخص
آگاهی بخشی و آموزش	۱. میزان آموزش‌های ارائه شده. ۲. میزان موفقیت دوره‌های آموزشی. ۳. میزان دسترسی به فرصت‌های آموزشی. ۴. میزان اطلاع‌رسانی برای ارائه برنامه‌های آموزشی. ۵. میزان مهارت‌های بدست آمده از آموزش‌های ارائه شده برای مشارکت. ۶. ارتباط آموزش با فعالیت‌های محلی. ۷. میزان مراجعه به کانون‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی. ۸. اندازه اثرگذاری فراگیری آموزش‌ها بر اعتماد و انسجام اجتماعی. ۹. اندازه اثرگذاری فراگیری آموزش‌ها بر مشارکت ساکنان در کارهای جمعی و گروهی. ۱۰. اندازه اثرگذاری آموزش‌های ارائه شده، برای توانمند کردن ساکنان روستا و مشارکت آن‌ها در تشکیل‌ها. ۱۱. اندازه اثرگذاری آموزش‌های ارائه شده در ارتقاء مشارکت ساکنان روستا در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی
اعتماد و عضویت در تشکلهای	۱. میزان عضویت و مشارکت ساکنان روستا در گروه‌ها و تشکلهای. ۲. میزان حضور و مشارکت ساکنان روستا در مراسم‌های محلی (مذهبی و جشن‌ها) ۳. میزان مشارکت ساکنان در جلسات شورا برای تصمیم‌گیری مسائل مختلف. ۴. میزان اعتماد ساکنان روستا به یکدیگر. ۵. میزان اعتماد ساکنان روستا از شورا. ۶. میزان اعتماد ساکنان روستا به یکدیگر برای ضمانت وام. ۷. میزان تمایل ساکنان روستا در کارها جمعی و گروهی. ۸. میزان مشورت گروهی ساکنان روستا با یکدیگر. ۹. میزان توانایی شما و خانوار شما در انجام فعالیت‌های مختلف. ۱۱. میزان احساس مسؤلیت مسؤولان محلی در زمینه مسائل متعدد روستا. ۱۲. میزان احساس مسؤلیت ساکنان روستا در زمینه مسائل متعدد روستا. ۱۳. میزان ترجیح در مشارکت برای فعالیت‌های عمومی. ۱۴. میزان تعامل ساکنان با یکدیگر. ۱۵. میزان انگیزه ساکنان روستا در محیط روستا برای ایجاد محیط مشارکت و تعامل مثبت
دانش، آگاهی و مهارت	۱. میزان آگاهی و شناخت شما و ساکنان روستا از نهادهای محلی. ۲. میزان آگاهی و شناخت ساکنان روستا از تشکلهای مردمی. ۳. میزان آگاهی و توانایی ساکنان روستا برای روبرو شدن با مسایلی مختلف روستا. ۴. اندازه اطلاعات ارائه شده به خانوار روستایی در زمینه مسائل اجتماعی - اقتصادی روستا. ۵. میزان مهارت اعضای خانوار در ارتباط با حضور موثر در فعالیت‌های مختلف. ۶. میزان آگاهی از وضعیت سرمایه‌گذاری و توزیع اعتبارات. ۷. میزان آگاهی از تصمیم‌گیری‌ها در زمینه فعالیت اجتماعی. ۸. میزان آگاهی از تصمیم‌گیری‌ها در زمینه فعالیت اقتصادی. ۹. میزان آگاهی از تصمیم‌گیری‌ها در زمینه فعالیت‌های عمرانی. ۱۰. میزان مهارت و مشارکت اعضای خانوار در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی - اقتصادی و عمرانی روستا. ۱۱. میزان مهارت و مشارکت ساکنان روستا در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی - اقتصادی و عمرانی روستا. ۱۲. میزان مهارت برای ایجاد تشکلهای اجتماعی مردم نهاد. ۱۳. میزان مهارت برای ایجاد تشکلهای اقتصادی مردم نهاد. ۱۴. میزان اثرگذاری فراگیری آموزش‌ها (مهارت) در بهره‌وری عوامل تولید. ۱۵. میزان اثرگذاری فراگیری آموزش‌ها (مهارت) در مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها. ۱۶. میزان اثرگذاری فراگیری آموزش‌ها (مهارت) در ایجاد اندیشه‌های خلاقانه
مشارکت و همکاری اقتصادی	۱. میزان همکاری مردم محلی با یکدیگر در فعالیت‌های کشاورزی. ۲. میزان همکاری مردم محلی با یکدیگر در فعالیت‌های غیرکشاورزی. ۳. میزان همکاری مردم با مسؤولان جهاد کشاورزی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی. ۴. میزان همکاری مردم با مسؤولان جهاد کشاورزی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی. ۵. میزان توجه ساکنان روستا به بازار مصرف نوع محصولات کشاورزی. ۶. میزان تعامل مثبت ساکنان روستا برای قرض دادن پول به یکدیگر. ۷. میزان سرمایه‌گذاری ساکنان روستایی در صندوق‌های اعتباری. ۸. میزان تعامل با مروجان و کارشناسان در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی. ۹. میزان تعامل و همکاری ساکنان روستا برای بهبود الگو و تناسب کشت. ۱۰. میزان تعامل و همکاری مردم برای بازار رسانی و و فروش محصولات تولیدی. ۱۱. میزان تعامل و همکاری خانوارهای روستایی در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی. ۱۲. میزان همکاری ساکنان روستا برای بهبود روش‌های تولید کشاورزی. ۱۳. میزان همکاری ساکنان روستا برای بهبود روش‌های تولید غیرکشاورزی. ۱۴. میزان آگاهی، توانایی و همکاری ساکنان روستا در افزایش بهره‌وری تولید. ۱۵. میزان استفاده خانوار شما از وام و تسهیلاتی بانکی برای فعالیت‌های اقتصادی. ۱۶. میزان استفاده ساکنان روستا از وام و تسهیلاتی بانکی برای فعالیت‌های اقتصادی
مشارکت در امور زیرساختی و کالبدی	۱. میزان مشارکت ساکنان روستا در ایجاد تأسیسات زیر بنایی روستا. ۲. میزان مشارکت ساکنان روستا در ایجاد تجهیزات روستا (مخابرات، دفتر پست و ...). ۳. میزان مشارکت ساکنان روستا در ایجاد زیربنای آموزشی و فرهنگی. ۴. میزان مشارکت ساکنان روستا در ایجاد زیربنای بهداشتی و درمانی. ۵. میزان همکاری مردم محلی در کمک به ساختن مسکن برای افراد فقیر. ۶. میزان همکاری ساکنان در ایجاد و استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات
سیاست‌گذاری ها و تصمیم‌گیری	۱. میزان توجه و نظارت ساکنان روستا در اجرای برنامه‌های توسعه. ۲. میزان پذیرش مسؤلیت ساکنان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی. ۳. میزان پذیرش مسؤلیت ساکنان در زمینه فعالیت‌های عمرانی و عمومی. ۴. میزان تفویض اختیار به مسؤولان محلی. ۵. میزان پایبندی مدیران در مشارکت دادن ساکنان روستا و مسؤولان سطوح محلی برای اجرای تصمیمات. ۶. میزان توجه مدیران به اندیشه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مسؤولان. ۷. میزان مشارکت ساکنان روستا در برنامه‌های توسعه عمرانی. ۸. میزان برخورداری تشکلهای مردمی از منابع اجتماعی - اقتصادی. ۹. میزان استقلال تشکلهای محلی و تولیدی. ۱۰. میزان توجه به منافع تمامی ذینفعان روستا. ۱۱. میزان توجه و اعتماد به تصمیم‌گیری‌های ساکنان روستا. ۱۲. میزان همکاری و صمیمیت بین نهادهای تصمیم‌گیر. ۱۳. میزان فعالیت نهادهای مردمی

برای سنجش مؤلفه اثرپذیر سطح توسعه نیز تعداد ۱۱ شاخص در قالب ۴ بعد محیط‌زیستی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیرساختی سنجیده شد (جدول ۲).

جدول ۲. ابعاد و شاخص‌های توسعه سکونتگاه‌های روستایی

ابعاد	شاخص‌ها
محیطی - اکولوژیک	۱. میزان بهبود کمیت و کیفیت منابع تأمین آب شرب. ۲. میزان بهبود کمیت و کیفیت منابع تأمین آب کشاورزی. ۳. میزان بهبود تعداد و تنوع منابع تأمین آب شرب. ۴. میزان بهبود تعداد و تنوع منابع تأمین آب کشاورزی. ۵. میزان بهبود وضعیت بهره‌برداری از خاک. ۶. میزان بهبود وضعیت بهره‌برداری از مرتع. ۷. میزان بهبود وضعیت بهره‌برداری از جنگل. ۸. میزان بهبود تنوع زیستی. ۹. میزان بهبود سیستم جمع‌آوری و دفع زباله. ۱۰. میزان بهبود سیستم شبکه فاضلاب روستا. ۱۱. میزان بهبود سبزیگی محیط. ۱۲. میزان بهبود کیفیت محیط روستا. ۱۳. میزان بهبود اراضی تحت پوشش آبیاری نوین در روستا. ۱۴. آلودگی آب رودخانه نسبت به ۱۰ سال گذشته. ۱۵. میزان تغییر کاربری اراضی کشاورزی. ۱۶. میزان بهبود و ارتقاچندابیت عرصه‌های گیاهی و پوشش جنگلی
اجتماعی	۱. میزان افزایش تعداد جمعیت روستا. ۲. میزان ماندگاری جمعیت روستا. ۳. افزایش تعداد باسوادان مرد در روستا. ۴. افزایش تعداد باسوادان زن در روستا. ۵. افزایش سطح تحصیلات مردان. ۶. افزایش سطح تحصیلات زنان. ۷. افزایش میزان آگاهی ساکنان روستا در زمینه مسائل اجتماعی. ۸. افزایش میزان آگاهی ساکنان روستا در زمینه مسائل اقتصادی. ۹. افزایش میزان مهارت. ۱۰. افزایش تنوع مهارت. ۱۱. افزایش آموزش ساکنان روستا در زمینه مهارت‌های اقتصادی. ۱۲. افزایش میزان تواناسازی ساکنان روستا در زمینه مشارکت در مسائل اجتماعی. ۱۳. بهبود برخورداری ساکنان روستا از حمایت‌های بیمه‌ای افزایش انسجام اجتماعی. ۱۴. افزایش میزان اعتماد مردم به یکدیگر. ۱۵. افزایش تعداد تشکلهای مردمی. ۱۶. افزایش میزان مشارکت و همکاری ساکنان روستا. ۱۷. میزان جمعیت بیکار نسبت به گذشته. ۱۸. میزان افزایش تعداد نهادهای مردمی. ۱۹. میزان افزایش مشارکت در انتخابات ملی. ۲۰. میزان افزایش مشارکت در انتخابات محلی. ۲۱. میزان بهبود و ارتقای توان لازم برای انجام وظایف و مسؤولیت‌های محلی. ۲۲. میزان افزایش توان‌مندی و مشارکت ساکنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی. ۲۳. میزان افزایش توان‌مندی و مشارکت ساکنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی. ۲۴. میزان افزایش توان‌مندی و مشارکت ساکنان در فعالیت‌های عمرانی
اقتصادی	۱. میزان افزایش تعداد شاغلان مرد. ۲. میزان افزایش تعداد شاغلان زن. ۳. میزان افزایش کل اشتغال کشاورزی. ۴. میزان افزایش کل اشتغال غیرکشاورزی. ۵. میزان افزایش تعداد کارگران در فعالیت‌های کشاورزی. ۶. میزان افزایش تعداد کارگران در فعالیت‌های غیرکشاورزی. ۷. میزان گسترش تنوع فعالیت‌های کشاورزی. ۸. میزان گسترش تنوع فعالیت‌های غیرکشاورزی. ۹. میزان افزایش عملکرد در هکتار محصولات زراعی. ۱۰. میزان افزایش عملکرد در هکتار محصولات باغی. ۱۱. میزان افزایش سهم اراضی کشاورزی آبی. ۱۲. میزان افزایش سهم اراضی کشاورزی دیمی. ۱۳. میزان افزایش اراضی کشاورزی زراعی. ۱۴. میزان افزایش اراضی کشاورزی باغی. ۱۵. میزان افزایش در تولید محصولات دامی. ۱۶. میزان افزایش در تولید محصولات طیور. ۱۷. میزان افزایش در اشتغال کشاورزی. ۱۸. میزان افزایش در اشتغال غیرکشاورزی. ۱۹. میزان افزایش در فرآوری محصولات زراعی. ۲۰. میزان افزایش در فرآوری محصولات باغی. ۲۱. میزان افزایش در فرآوری محصولات دامی. ۲۲. میزان دسترسی به وام و اعتبار. ۲۳. میزان دسترسی به ابزار آلات کشاورزی. ۲۴. میزان دسترسی به ابزار آلات غیرکشاورزی. ۲۵. میزان درآمد فعالیت کشاورزی. ۲۶. میزان درآمد فعالیت غیرکشاورزی. ۲۷. میزان درآمد خانوار. ۲۸. میزان بهبود زندگی افراد فقیر. ۲۹. میزان بهبود وضعیت اشتغال زنان. ۳۰. میزان بهبود تنوع شغلی. ۳۱. میزان ایجاد و گسترش صندوق‌های اعتباری خرد. ۳۲. میزان ایجاد و گسترش منابع تأمین مالی رسمی (بانک‌ها). ۳۳. میزان بهبود پس‌انداز. ۳۴. میزان بهبود وضعیت بهره‌برداران خرد و دهقانی. ۳۵. میزان افزایش در تولید صنایع دستی و کارگاهی. ۳۶. میزان بهبود سرمایه‌گذاری فعالیت کشاورزی. ۳۷. میزان بهبود سرمایه‌گذاری فعالیت غیرکشاورزی. ۳۸. میزان بهبود وضعیت دسترسی به بازار و مراکز اقتصادی. ۳۹. میزان بهبود و ارتقای بنگاه‌های فعال اقتصادی. ۴۰. میزان بهبود تنوع محصولات کشاورزی. ۴۱. میزان بهبود تنوع محصولات غیرکشاورزی
کالبدی و زیرساختی	۱. میزان بهبود مسکن ساخته شده با مصالح با دوام. ۲. میزان بهبود برخورداری از تسهیلات واحد مسکونی. ۳. میزان بهبود سرانه زیربنای مسکونی. ۴. میزان بهبود دسترسی جمعیت به خدمات عمومی. ۵. میزان گسترش شبکه راه روستایی. ۶. میزان گسترش شبکه آبرسانی. ۷. میزان برخورداری خانوارهای روستایی از آب آشامیدنی تصفیه شده. ۸. میزان گسترش شبکه گازرسانی. ۹. میزان گسترش شبکه برق‌رسانی روستایی (تأمین برق سه فاز). ۱۰. میزان گسترش شبکه ارتباطی تلفن ثابت روستایی. ۱۱. میزان گسترش شبکه ارتباطی تلفن همراه روستایی. ۱۲. میزان برخورداری از نهادهای کشاورزی. ۱۳. میزان برخورداری از خدمات خانه بهداشت. ۱۴. میزان برخورداری از خدمات مرکز درمانی. ۱۵. میزان برخورداری از پزشک عمومی در روستا. ۱۶. میزان برخورداری از پزشک متخصص. ۱۷. میزان برخورداری از دندان‌پزشک. ۱۸. میزان برخورداری از بهیار و ماما. ۱۹. میزان برخورداری از بهورز. ۲۰. میزان برخورداری از پاسگاه نیروی انتظامی. ۲۱. میزان برخورداری از پایگاه بسیج. ۲۲. میزان برخورداری از اورژانس. ۲۳. میزان برخورداری از وسیله نقلیه عمومی. ۲۴. میزان برخورداری از تاکسی تلفنی. ۲۵. میزان برخورداری از پمپ بنزین. ۲۶. میزان بهبود دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی. ۲۷. میزان بهبود وضعیت زیربنای بهداشتی و درمانی (خانه بهداشت، ...). ۲۸. میزان بهبود خدمات دامپزشکی. میزان بهبود وضعیت زیربنای آموزشی و فرهنگی (مدرسه و مسجد)

برای سنجش روایی صوری (اعتبار) ابزار پژوهش، با استفاده از روایی صوری، مبتنی بر نظرات خبرگان امر مورد تایید قرار گرفت (Hafeznia, 2009: 132). و پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تعیین و تایید شد (جدول ۳).

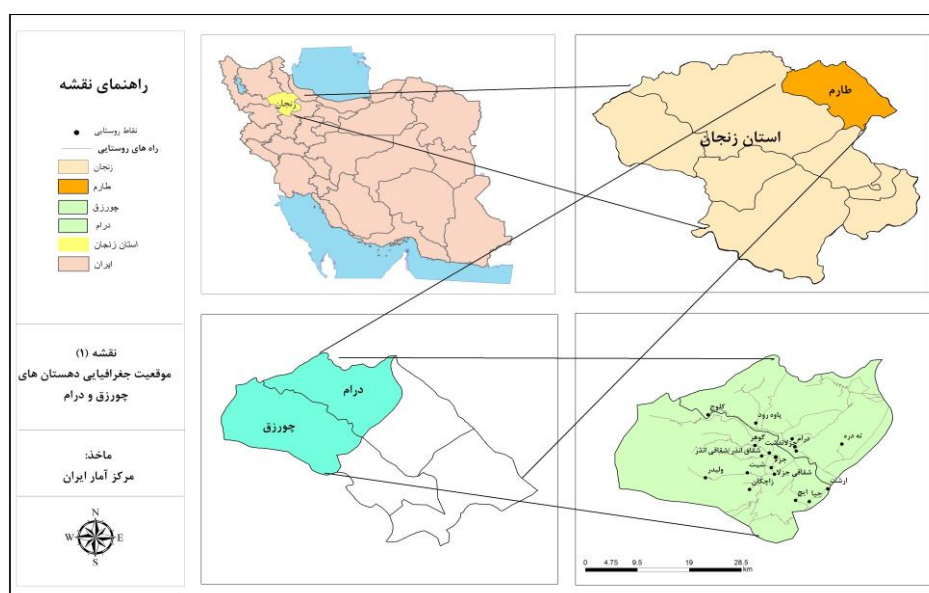
جدول ۳. مقدار ضریب آلفای کرونباخ در راستای تعیین پایایی ابزار پژوهش

تسهیل‌کننده‌های مشارکت						توسعه سکونتگاه			مفهوم	
سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری	زیرساختی و کالبدی	مشارکت اقتصادی	دانش‌آگاهی و مهارت	اعتماد و ایجاد تشکل‌ها	آموزش و اطلاع رسانی	محیط زیستی	اجتماعی	اقتصادی	کالبدی و زیرساختی	مؤلفه بند/
۰/۷۰	۰/۷۵	۰/۷۱	۰/۷۳	۰/۷۱	۰/۷۲	۰/۷۲	۰/۷۳	۰/۷۴	۰/۷۳	مقدار آلفا

برای تبیین و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی برای تعیین ارتباط بین مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر تحقیق از ضرایب همبستگی کندال تائوبی استفاده شد. به منظور تعیین ارتباط کل متغیرهای مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر، با جایگاه تسهیل‌کننده‌های مشارکت روستاییان بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی، از رگرسیون چند متغیره استفاده شد (Kalantari, 2006:181). نرم افزار اصلی مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها SPSS22 بوده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان طارم یکی از شهرستان‌های هشت‌گانه استان زنجان است که در شمال این استان واقع شده است. این شهرستان دارای ۵ دهستان ۲ شهر و ۱۰۵ روستای دارای سکنه است. ناحیه مورد مطالعه در این تحقیق دهستان‌های درام و چورزق است که در غرب و شمال غرب شهرستان واقع شده و دارای ۴۰ روستای بالای ۲۰ خانوار با میزان جمعیت ۱۰۴۵۴ نفر است (شکل ۲). این دو دهستان که در سال ۱۳۶۹ در زلزله آسیب فروانی دیده بودند در سال‌های بعد زلزله با مشارکت مردم باز سازی شدند. به طور کلی می‌توان گفت زلزله باعث شد که این دو دهستان از خاموشی مطلق بیرون آیند. این ناحیه با دو استان هم مرز است. استان گیلان همسایه شمالی و استان اردبیل همسایه غربی آن است. از جنوب نیز با شهرستان زنجان هم مرز است. ناحیه مورد مطالعه به دلیل ویژگی منحصر به فرد کشاورزی و قطب تولید زیتون در کشور اهمیت خاصی دارد. به طوری که این دو دهستان سهم به‌سزایی در تولید زیتون کشور به عهده دارند.



شکل شماره ۲. موقعیت جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

یافته‌های پژوهش، نشان داد که میزان ۷۵/۳ درصد پاسخ‌گویان بین ۲۰ تا ۳۵ سال، حدود ۱۳/۴ درصد بین ۳۵ تا ۳۹ سال، معادل ۱۱ درصد بین ۴۰ تا ۵۹ سال و تنها ۰/۳ درصد نیز بالاتر از ۶۰ سال دارند. از کل پاسخ‌گویان، میزان ۶۰/۵ درصد مرد و معادل ۳۹/۵ درصد زن هستند. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان ۱ درصد پرسش‌شوندگان بی‌سواد، حدود ۸/۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، میزان ۴/۵ درصد تحصیلات راهنمایی، میزان ۴۹/۵ درصد تحصیلات متوسطه، معادل ۱۶/۸ درصد دیپلم، میزان ۵/۲ درصد فوق دیپلم و حدود ۱۴/۴ درصد تحصیلات لیسانس و بالاتر دارند که نشان می‌دهد سطح سواد در ناحیه مورد مطالعه در سطح متوسط به بالایی قرار دارد.

ارزیابی تأثیرات تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان با توسعه پایدار روستایی

مؤلفه تسهیل کننده مشارکت روستاییان مطابق جدول ۱ از طریق ۶ شاخص و گویه‌های مربوط به آن ارزیابی شده و سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی از طریق مجموع شاخص‌های محیطی - اکولوژیک، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و کالبدی و زیرساختی مطابق جدول (۲) سنجیده شده است. به گونه‌ای که نماگرهای ابعاد اثرگذار و اثرپذیر سطح توسعه‌یافتگی به صورت رتبه‌ای (طیفی لیکرت از مقدار ۱ خیلی کم تا مقدار ۵ خیلی زیاد) از ترکیب میانگین پاسخ‌های ساکنان روستایی نمونه تصادفی حاصل شد. به منظور تحلیل رابطه بین ۶ مؤلفه تسهیل کننده مشارکت روستاییان در توسعه سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه، از ضریب همبستگی کندال تاؤوبی استفاده شد. مطابق یافته‌ها، تمامی مؤلفه‌های تسهیل کننده مشارکت روستاییان با سطح آلفا ۰/۰۱ و با سطح اطمینان ۹۹ درصد دارای ارتباط مثبت و معناداری ($\text{Sig} = 0/000$) با توسعه روستایی بودند (جدول ۴).

جدول ۴. رابطه بین مؤلفه‌های تسهیل کننده‌های مشارکت با توسعه سکونتگاه‌های روستایی

وجود رابطه	Kendall's tau b test		Sd	Mean	مؤلفه اثر پذیر	مؤلفه تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان	ردیف
	Sig.	r					
** دارد	0/000	0/۳۹۸	۱/۱۳۷	۲/۵۰	توسعه سکونتگاه‌های روستایی	آموزش و آگاهی بخشی	۱
** دارد	0/000	0/۴۳۱	۱/۴۵۸	۲/۸۱		اعتماد و عضویت در تشکل‌ها	۲
** دارد	0/000	0/۴۰۸	۱/۰۲۰	۳/۰۶		دانش، آگاهی و مهارت	۳
** دارد	0/000	0/۵۱۵	۱/۱۲۳	۳/۱۹		مشارکت و همکاری اقتصادی	۴
** دارد	0/000	0/۳۳۱	۰/۹۵۰	۲/۸۰		مشارکت در امور زیرساختی و کالبدی	۵
** دارد	0/000	0/۴۶۰	۱/۰۲۲	۲/۵۷		سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها	۶

براساس یافته‌های پژوهش حاضر (جدول ۴)، شاخص‌های روش توانمندسازی روستاییان همچون بهبود آموزش و آگاهی بخشی در ارتقاء دانش و مهارت روستاییان و افزایش اعتماد و اطمینان آن‌ها برای عضویت در گروه‌ها و تشکل‌ها اثر گذار بوده است. به گونه‌ای که به رغم این که روستاییان ناحیه مورد مطالعه توانمندسازی مولد را به شکل ارتقاء سازمانی، هماهنگی و خودآگاهی تجربه می‌کنند، اما آن‌ها به مثابه گیرندگان و بروز دهندگان توانمندسازی غیرمولد به شکل فزاینده‌ای هنوز غلبه دارند. اما، با این وجود روستاییان ناحیه مورد مطالعه به دلیل ویژگی‌های فعالیت اجتماعی و اقتصادی‌شان به طور نسبی در زمینه‌ای مختلف اجتماعی - اقتصادی، تصمیم‌گیرها و سیاست‌گذاری‌ها و در امور عمرانی و زیربنایی مشارکت خوبی دارند. این مقوله سبب بهبود ابعاد و شاخص‌های توسعه پایدار روستایی در ناحیه مورد مطالعه نیز شده است.

ارزیابی نهایی تأثیرات تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان در توسعه پایدار روستایی

به منظور تحلیل و پیش‌بینی وضعیت تاثیرگذاری تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه و مشخص نمودن مؤلفه‌های اصلی تاثیرگذار، از آزمون رگرسیون چندگانه توأم استفاده شد. طبق نتایج حاصله، میان توسعه سکونتگاه‌های روستایی ناحیه با مؤلفه‌های تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان، همبستگی مناسبی به میزان ۰/۶۸۶ وجود دارد. همچنین ۴۶ درصد تغییرات میزان توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی توسط مؤلفه‌های تسهیل کننده مشارکت روستاییان تبیین شده است (جدول ۵).

جدول ۵. نتایج رگرسیون متغیرهای اصلی شش‌گانه مشارکت در ارتباط با توسعه پایدار روستایی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (r)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده (R _{adj})	اشتباه معیار (Sd)
۱	(a) ۰/۶۸۶	۰/۴۷۱	۰/۴۶۰	۰/۳۸۰۳۳

a predictors: آموزش و آگاهی بخشی، اعتماد و عضویت در تشکل‌ها، دانش، آگاهی و مهارت، مشارکت و همکاری اقتصادی، مشارکت در امور زیرساختی و کالبدی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها؛ همچنین، براساس مقدار محاسبه شده برای F، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، می‌توان گفت که از دیدگاه ساکنان روستایی، ترکیب خطی متغیرهای مستقل به طور معناداری قادر به تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی است (جدول ۶).

جدول ۶. معناداری رگرسیون متغیرهای اصلی شش‌گانه تسهیل‌کننده‌های مشارکت بر توسعه پایدار روستایی ANOVA(b)

مدل	شرح	مجموع مربعات	درجه آزادی df	میانگین مربعات	F	سطح معناداری Sig
۱	اثر رگرسیونی	۳۶/۶۱۲	۶	۶/۱۰۲	۴۲۱۸۴	۰/۰۰۰ ^b
	باقیمانده	۴۱۱۰۸۲	۲۸۴	۰/۱۴۵		
	کل	۷۷/۶۹۴	۲۹۰			

a Predictors: اعتماد و عضویت در تشکل‌ها، دانش، آگاهی و مهارت، مشارکت و همکاری اقتصادی، مشارکت در امور زیرساختی و کالبدی؛

در نهایت، بر اساس ضرایب استاندارد درج شده در جدول (۷)، توسعه سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه متأثر از ۴ مولفه اعتماد، دانش و مهارت، مشارکت اقتصادی و مشارکت در امور زیرساختی و کالبدی بوده که در این میان متغیر مشارکت و همکاری اقتصادی در شرایط موجود با ضریب تاثیر ۰/۲۳۷ بیشترین میزان اثر را بر سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌ها دارد.

جدول ۷. ضرایب میزان شدت اثر‌گذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از دیدگاه ساکنان روستا (a) Coefficients

مدل	شرح	ضریب غیر استاندارد		T	سطح معناداری Sig
		B	Std. Error		
۱	عرض از مبدا	۱/۴۷۹	۰/۱۱۸	۱۲/۴۸۶	۰/۰۰۰
	اعتماد و عضویت در تشکل‌ها	۰/۰۶۷	۰/۰۲۷	۲/۴۶۶	۰/۰۱۴
	دانش، آگاهی و مهارت	۰/۱۴۶	۰/۰۵۰	۲/۹۳۲	۰/۰۰۴
	مشارکت و همکاری اقتصادی	۰/۱۹۳	۰/۰۵۷	۳/۴۱۰	۰/۰۰۱
	مشارکت در امور زیرساختی و کالبدی	۰/۰۶۹	۰/۰۳۲	۲/۱۳۱	۰/۰۳۴

بر مبنای مقادیر جدول (۷) معادله رگرسیون یا تابع پیش‌بینی کننده توسعه سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه در ارتباط با مؤلفه‌های تسهیل‌کننده مشارکت را می‌توان به شرح زیر نوشت:

$$Y \text{ (توسعه روستایی)} = ۱/۴۷۹ + ۰/۰۶۷ \text{ (اعتماد)} + ۰/۱۴۶ \text{ (مهارت)} + ۰/۱۹۳ \text{ (همکاری اقتصادی)} + ۰/۰۶۹ \text{ (همکاری در امور}$$

زیربنایی)

مقادیر به دست آمده برای متغیر سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌ها نشان می‌دهد، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار اعتماد و عضویت در تشکل‌ها، میزان ۰/۰۶۷ واحد تغییر در متغیر وابسته، و به ازای یک واحد تغییر در شاخص دانش و مهارت، همکاری اقتصادی، و مشارکت در امور زیرساختی روستا به ترتیب با ۰/۱۹۳، ۰/۲۳۷ و ۰/۱۱۳ واحد تغییر در انحراف معیار متغیر سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌ها (متغیر وابسته) ایجاد می‌شود. به سخن دیگر، به دلیل پایین بودن میزان برخورداری تشکل‌های مردمی از منابع اجتماعی - اقتصادی، پایین بودن میزان استقلال تشکل‌های محلی و تولیدی، عدم تفویض اختیار به مسولان محلی، کم توجهی مدیران به اندیشه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مسولان محلی و عدم پایبندی مدیران در مشارکت دادن ساکنان روستا و مسولان سطوح محلی برای اجرای تصمیمات، میزان مشارکت ساکنان روستا در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه عمرانی و زیربنایی چشمگیر نیست. همچنین، کم توجهی به آموزش‌های ارائه شده برای توانمندسازی روستاییان برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و کارهای جمعی و گروهی و غیره؛ باعث ارتقاء چشمگیر شاخص‌های توسعه نشده است. بنابراین، براساس دیدگاه

پاسخگویان، در حال حاضر مؤلفه آموزش و آگاهی اجتماعی، و مؤلفه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در مقایسه با ۴ مؤلفه دیگر، در تبیین سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی جایگاه خود را نیافته است. بدین ترتیب، توجه به توسعه آگاهی اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه، و تغییر رویکرد در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی روستاییان، نقش آفرینی این مؤلفه‌ها ارتقاء شاخص‌های توسعه روستایی را رقم خواهد زد.

نتیجه‌گیری

مشارکت مردم در توسعه روستایی به عنوان یکی از رویکردهای جدید در توسعه روستایی است. مردم محور بودن توسعه، تمرکززدایی و توسعه نهادی در رویکردها و نظریه‌های جدید توسعه پایدار روستایی و به تبع آن اهمیت یافتن جایگاه مشارکت به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های توسعه سکونتگاه‌های روستایی، شناخت و توسعه تسهیل کننده‌های مشارکت در مناطق روستایی به منظور ارائه الگوهای توسعه‌ای از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. هدف اصلی توسعه پایدار روستایی با رویکرد مشارکت روستاییان، ارتقای کیفیت زندگی مردم محلی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، افزایش مشارکت و اعتمادسازی، افزایش اعتماد به نفس و توسعه شبکه‌های ارتباطی روستاییان در داخل و بیرون از محیط روستا و توسعه نهادی است.

براین شالوده، در پژوهش حاضر، جایگاه تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان در توسعه سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های چورزق و درام شهرستان طارم مورد واکاوی قرار گرفت که نتایج حاصله حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین مؤلفه‌های تسهیل کننده مشارکت با سطح توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی این ناحیه است. از این رو، تسهیل کننده‌های توانمندسازی و مشارکت روستاییان (همچون: آموزش و آگاهی بخشی، اعتماد و عضویت در تشکلهای، دانش و مهارت، همکاری‌های اجتماعی، اقتصادی و امور زیربنایی) در روستاهای ناحیه مورد مطالعه با ارتقاء سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی همراه بوده، در نتیجه توجه بیش از پیش به تسهیل کننده‌های مشارکت از سوی برنامه‌ریزان و مدیران توسعه روستایی ضرورت دارد. همچنین، مبتنی بر آزمون رگرسیون به عمل آمده برای پیش‌بینی اثرگذاری تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان بر توسعه روستاهای مورد مطالعه، به غیر از مؤلفه آموزش، و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، تأثیر سایر مؤلفه‌های تسهیل کننده مشارکت روستاییان بر توسعه روستایی محرز شد. به طوری که هرچقدر عوامل تسهیل کننده مشارکت روستاییان ارتقاء و افزایش یابد، شاخص‌های توسعه روستایی نیز بهبود پیدا خواهد کرد. یعنی عوامل تسهیل کننده مشارکت مردم به طور مستقیم و غیرمستقیم در توسعه سکونتگاه‌های روستایی این ناحیه تأثیر گذار است. بدین ترتیب، یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج حاصل از مطالعات رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)، بودرجمهری و همکاران (۱۳۹۱)، نجفی کانی و میرزاعلی (۱۳۹۱)، شفيعی ثابت و هراتی فرد (۱۳۹۴) و میترا و کوندو (۲۰۱۲) مطابقت دارد.

بنابراین، اگرچه توانمندسازی مولد و مشارکت آن‌ها را به شکل ارتقاء سازمانی، هماهنگی و خودآگاهی تجربه می‌کنند، اما، روستاییان به مثابه گیرندگان و بروز دهندگان توانمندسازی غیرمولد به شکل فزاینده‌ای غلبه دارند. عوامل بالقوه تأثیرگذار بر این فرایند همچون سیاست‌ها و رویکرد حاکم بر فرآیند برنامه‌ریزی از تصمیم‌سازی تا اجرا و پایش بوده؛ که بدون توجه به وجه نظر و خواست روستاییان برنامه‌ریزی توسعه روستایی را در ناحیه مورد مطالعه به انجام می‌رساند. با توجه به چالش‌های شناسایی شده؛ توجه به روش‌های عملی و برنامه‌ریزی مبتنی بر جامعه است که می‌تواند به شکل بهتری، توانمندسازی و مشارکت مولد نه صرفاً پایدار را در ناحیه مورد مطالعه ایجاد کند. به این ترتیب، توجه به بهبود وضعیت آموزش و مهارت روستاییان، افزایش دسترسی آنان به منابع محیطی و اقتصادی به منظور مشارکت آن‌ها در فرآیند طرح‌های توسعه روستایی و فعالیت‌های متنوع اجتماعی - اقتصادی مورد تأکید است. علاوه بر این، توجه به روش‌های توانمندسازی مولد روستاییان، نگاه قبلی از "بالا به پایین" مشارکت روستاییان در فرآیند برنامه‌ریزی در راستای توسعه پایدار روستایی در سطوح منطقه‌ای و محلی را بی اثر گذاشته؛ و ابتکارات محلی "پایین به بالا"، عملکرد تسهیل کننده‌های مشارکت روستاییان برای بهبود فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی روستایی، بهبود فعالیت‌های اجتماعی، و بهبود شاخص‌های محیط طبیعی و شاخص‌های زیربنایی و خدماتی روستایی بسیار کلیدی است. دولت محلی منطقه مورد مطالعه نیز لازم است به عنوان پیشرو به شناسایی ابتکارات محلی در این زمینه بپردازد و برای فراهم سازی زمینه مشارکت و

شراکت روستاییان با توجه به ارتقاء شاخص‌های تسهیل‌کننده آن به منظور بهبود شاخص‌های توسعه پایدار روستایی برنامه‌ریزی نماید.

References

- Adam, F., & Borut, R., (2003). Social Capital: Recent Debates and Research Trends. *Social science Information*, 42, 155-183.
- Amundsen, S., & Øyvind L. M., (2015). Linking Empowering Leadership to Job Satisfaction, Work Effort, and Creativity: The Role of Self-Leadership and Psychological Empowerment. *Journal of Leadership and Organizational Studies August 1*, 22 (3), 304-323.
- Bagdi, G. L., & Kurothe, R. S. (2014). People's participation in watershed management programmes: Evaluation study of Vidarbha region of Maharashtra in India. *International Soil and Water Conservation Research*, 2, 57-66.
- Bouzarjomehri, K.H., KHosrobeygi, R., & Taghiloo, A. A. (2012). The Role of Public Participation in sustainable agriculture rural areas (Case Study: High Ijrud rural district villages, Ijrud city, Zanjan Province. *Quarterly Rural research*, 3 (3), 163-191. (In Persian)
- Chambers, R. (2008). *Rural Development priority to the poor*, Translation Mustafa Azkia, First Edition, Tehran: Tehran University Publications. (In Persian)
- Ericson, Jenny A. (2006). a participatory approach to conservation in the cala kmul Biosphere Reserve Campeche. Mexico, *Landscape urban planning*, 74 (3), 242-266. www. Elsevier.com/locate/landurbplan.
- Fernandez, S., & Moldogaziev, T. (2015). Employee Empowerment and Job Satisfaction in the U.S. Federal Bureaucracy: A Self-Determination Theory Perspective, *the American Review of Public Administration July 1*, 45 (4), 375-401.
- Gülümser, A. A, Tüzin Baycan, L., Nijkamp, P., & Jacques, P. (2012). The role of local and newcomer entrepreneurs in rural development: A comparative meta-analytic study. *Research Memorandum*, 1, 1-54, Available At: <http://dspace.ubvu.vu.nl/bitstrea> [access date: [6/2013].
- Hafeznia, M.R. (2009). *An introduction to the research method in Humanities*. Second edition, Tehran: samt Publications. (In Persian)
- Kalantari, kh. (2006). *Processing and analysis of data in Socio-economic research Using the software spss*. Tehran: second edition, Sharif publication. (In Persian)
- Khosravipour, B., & Foroushani, N. (2011). women's participation and sustainable rural development. *Journal of Labor and Society*, 132 & 133, 56-68. (In Persian)
- Kothari, CR. (2009). *Research Methodology, Method and Techniques (Second Revised Edition)*. New Age International publishers. New Delhi, pp. 1-401.
- Le, Ho., & Phi, Kh. (2011). The Role of Social Capital to Access Rural Credit: A case study at Dinh Cu and Van Quat Dong village in coastal of Thua Thien Hue province- Vietnam, Department of Urban and Rural Development, Swedish University of Agricultural sciences, Master Thesis, 56 (2), 1-84. http://stud.epsilon.slu.se/2543/1/Khanh_Ho_110502.
- Mahmud, S., Nirali, M., Shah, & Stan Becker. (2011). Measurement of Womens empowerment in rural Bangladesh. *World Development*, 40 (3), 610-619.
- Mansori, A. (2002). Tourism and Sustainable Development. *Geography Teaching*, 18 (63), 36-41. (In Persian)
- Mitra, S., & Amit K. (2012). Assessing Empowerment through Generation of Social Capital. *Journal of Business and Social Research*, 2 (6), 72- 84.
- Najafi kani, A.A., Mirza Ali, M. (2012). Review and assess the level of public participation and its role in rural development (Case study: Rural Soltanali city of Gonbad). *Landscape Geogaraphy in Human Study*, 7 (20), 118 - 137. (In Persian)
- Primmer, E., & Simo, K. (2006). Goals for public participation implied by sustainable development, and the preparatory process of the Finnish National Forest Programme. *Forest Policy and Economics*, 8 (8), 838-853.

- Rezvani, M.R. (2011). *Rural development planning in Iran*. Fifth Edition, Tehran: Goomes Publications. (In Persian)
- Rukn al-Din Eftekhari, A.R., Mahmoudi, S., Ghaffari, G.R., & Pourtaheri, M. (2015). Explained Model Space Social capital In Sustainable Rural Development Item: villages in Khorasan Razavi. *Quarterly Journal of Economics Space and Rural Development*, 4 (1), 87-107. (In Persian)
- Rukn al-Din Eftekhari, A.R., Pourtaheri, M., Sadeqlo, T., & Sojasi Gheidari, H.A. (2010). Analysis of Impacts on participatory management of flood in rural areas (Case study of flood-hit villages Basin of Gorganrod in Golestan Province). *Quarterly Rural research*, 1 (2), 1-26. (In Persian)
- Rossberger, R. J., & Diana E. K. (2015). Participative and team-oriented leadership styles, countries' education level, and national innovation: The mediating role of economic factors and national cultural practices. *Cross-Cultural Research*, 49 (1), 20-56.
- Salehi, M. (2012). Public participation and its role in the project and development programs for sustainable rural development. Rural district Chendar, (Chendar District, city Savojbolagh). Master's Thesis, shahid Beheshti University, Tehran. (In Persian)
- Saraiei, H. (1390). *Introduction to sampling in research*. Six editions, Samat publication, Tehran. (In Persian)
- Shafiei Sabet, N., & Heratifard, S. (2015). The Impact of Cooperation of Tour Operators in Sustainability and Development of Local Settlements (Case study: Tehran and Alborz Regions). *Journal of Tourism Planning and Development*, 4 (13), 93-119. (In Persian)
- Sharma, P. N., & Bradley, L. K. (2015). Leveraging leaders: A literature review and future lines of inquiry for empowering leadership research. *Group Organization Management*, 40 (2), 193-237.
- Snelgrove, John W., Hynek P., & Mai S. (2009). A Multi-Level Analysis of Social Capital and Self-rated Health: Evidence from the British Household Panel Survey. *Social Science and Medicine*, 68 (11), 1993-2001.
- Taleb, M. (1995). a project for rural management. *Quarterly Geographical Research*, 39, 3-23. (In Persian)
- Tzanakis, M. (2013). Social capital in Bourdieu's, Coleman's and Putnam's theory: empirical evidence and emergent measurement issues. *The Journal of Doctoral Research In education*. 13 (2), 2-23.
- Van Ingen, E. (2008). Social Participation Revisited: Disentangling and Explaining Period. *Life-Cycle and Cohort Effects, Acta Sociologica*, 51 (2), 103-121.
- Wang, X., Zhenrong, Yu., Steve Cinderdy, & John F., (2008). Enhancing participation: Experiences of participatory geographic information systems in Shanxi province, China, *Applied Geography*, 28 (2), 96-109.
- Waas, T., Hugé, J., Block, T., Wright, T., Benitez-Capistros, F., & Verbruggen, A. (2014). Sustainability assessment and indicators: Tools in a decision-making strategy for sustainable development. *Sustainability*, 6 (9), 5512-5534
- Zhao, Jing., Kathleen A., James, G., Anderson, Sejin Ha., & Richard W. (2013). Trust, empathy, social identity, and contribution of knowledge within patient online communities. *Behavior & Information Technology*, 32 (10), 1041-1048.

How to cite this article:

Shafiei Sabet, N., Anbarlou, M. and Yosefi Taleghani, A. (2018). Analysis of Facilitators to Villagers' Participation in the Development of Rural Settlements) Case study: Chavarzagh and Darram rural districts in Tarom town). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 13 (3), 729-744.
http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_545186_en.html

Analysis of Facilitators to Villagers' Participation in the Development of Rural Settlements (Case study: Chavarzagh and Darram rural districts in Tarom town)

Naser Shafiei Sabet*

Assistant Professor, Dep. of Human Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Masoud Anbarlou

Ph.D candidate in geography & rural planning, Tehran University, Tehran, Iran

Ali Yosefi Taleghani

Ph.D candidate in geography & rural planning, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Received: 26/02/2017

Accepted: 16/07/2018

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

One of the most important methods for sustainability of social, economic and environmental aspects of development in rural areas that presented in recent decades is participation of villagers in every aspect of them. The necessity of participation in development process especially in rural areas is somehow crucial that sometimes thinkers see the development as participation. The experience of developing countries such as Iran show that concentrated and up to down programming is not favorable and whatever the participation of people limited, the possibility of programs execution reduces. Therefore, neglecting of villagers' participation in development leads to failure and slowing of some programs. So, this research, by measuring of facilitator variables of villagers' participation, tries to investigate its impact on rural settlement development in study area. Based on this, the main question of study is that how is the role of villagers' participation facilitators in rural settlement development of Chavarzag and Darram of Tarom town. In this way, the relationship between villagers' participation facilitators with environmental, social, economic, infrastructure and physical dimensions of rural settlements developments.

Theoretical framework

In development literature, participation in rural development came back to 1980 and 1990. It is when growth and expansion of development strategies was based on economic growth and industrialization of developed countries and usages of them in developing countries, leads to more negative consequences than positive outcomes. Therefore, many of countries and thinkers comes to the idea that they should revise adopted strategies and the matter of participation and villagers' participation and recruiting them in rural development programs and new concept of "participatory development" came to development literature. Accordingly, in 1990 and 2000 new debates about meaning, purposes and the ways to achieve development have done that come to the results that new literature of empowerment and people participation for sustainable development in areas and societies came to the academic debates. In other words, integrated and pervasive rural developments approaches have been reinforced by new paradigms of developments such as Sustainability, Spontaneous and conscious participation, environmental awareness, capacity building and empowerment. So, rural participation in development as

* Corresponding author:

Email: n_shafiei@sbu.ac.ir

objective symbol of human optimal behavior based on systematic and organic attitude towards rural developments considered as a natural and fundamental principle and participation of whole rural people, including men, women, young and adults is Prerequisite for achieving development purposes.

Methodology

For exact explanation of research question and hypothesis, current research by usages of descriptive-analytic and quantitative-field based, tries to study the position of villagers' participation facilitators in rural settlements of Darram and Chavarzagh in Tarom town. Statistical society in this study was 40 rural settlements in study area. Based on socio-economic characteristic in statistical society, nearly 50 percent of them (18 settlements) randomly and based on Position indicators of mountainous, desert and mountain elected. For generalization of data to statistical society, based on Cochran sampling. From 2957 family, a sample size of 291 families by 95% of confidence level and the variance estimation 25/0% were elected.

Because of heterogeneous geography of area, rural families were selected by Stratified random sampling. The selection and explanation of research components were elected by literature review. The independent variable (facilitators of villagers' participation) in development of rural settlements by 6 components and 76 items measured. Dependent variable, with 111 items in 4 dimensions of environmental, social, economic and physical and infrastructure measured. The validity of questionnaire has been achieved by formal validity and experts' perspective in this area and the reliability of questionnaire has been achieved by Cronbach's Alpha coefficient.

Results and Discussion

For analyzing the relationship among 6 components of facilitators of villagers' participation in development of rural settlements in study area, Kendall's tau Yi has been used. Based on findings, all components of facilitators of villagers' participation in 99% percent of confidence level have significant and positive relationship with rural developments. For predicting of facilitators of villagers' participation to development of rural settlements in study area and highlighting the effective components, multiple regressions have been used. Based on findings, there is strong relationship of 686% between to development of rural settlements with facilitators of villagers' participation. Also 46 percent of variation of development of rural settlements has been explained by facilitators of villagers' participation. Finally, based on measured standardized coefficients, development of rural settlements in study area affected by 4 components of trust, knowledge, economic participation and participation in physical and infrastructure; meanwhile economic participation and cooperation in current situation with coefficient effect of 237% has most impact in development of rural settlements.

Conclusion

the main purpose of rural sustainable with villagers' participation approach is enhancing the quality of life of local peoples, empowerments, capacity building, increasing the participation and trust, increasing the self-esteem, developments of communicational networks of villagers inside and outside of the village and institutional development. In current research, the position of facilitators of villagers' participation in development of rural settlements in study area (Chavarzagh and Darram villages in Tarom town) has been studied that its results have been shown that there have been positive and significant relationship among the components of facilitators of villagers' participation with development of rural settlements in study area.

Therefore, facilitators of villagers' participation (such as: education, trust and membership, knowledge and skill, socio-economic cooperation's and infrastructure affairs) in rural settlements in study area associated with development of rural settlements; so, more attention needed to facilitators of villagers' participation from rural programs planners. Also, based on multiple regression results, apart from education, decision making and policy is making

components, other variable and components have significant impact on developments of rural settlements. So that, with increasing of facilitators of villagers' participation, developments of rural settlements indicators will increase. Therefore, this research finding with other researches such as Rukn al-Din Eftekhari et al (2011), Buzarjamhari et al (2012), NajafiKani and Mirzaali (2012), Shafiei Sabet and Haratifard (2015) and Mitra and Kundu (2012) has conformity. In this basis, attention to position of facilitators of villagers' participation for empowerment and capacity making of them in group and solitary in different context has priority, and leads to enhancing of current potentiality of rural settlements for achieving development and better social and economic execution of villagers. In fact, enhancing the facilitators of villagers' participation in study area for achieving developments of them, considered as an effective strategy, needed more attention from policy makers and programmers in rural development areas and context and infrastructure for them should be attained.

Keywords: Facilitators to participation, Empowerment, Rural development, Tarom town